

## پیش‌خوان

**به بهانه باز نشر اثر روایی «خاطرات اللهبیار صالح»**

### آنچه ناگفته ماند

■ **شاهد توحیدی**



اثر تاریخی «خاطرات اللهبیار صالح» که در بردارنده خاطره‌ها و ناگفته‌هایی از منش اوست، برای نخستین بار در سال ۱۳۶۴ به بازار نشر عرضه شد. هم‌پنک چندی است که چاپ دوم آن نشر یافته است. دکتر سیدمرتمی مشیر گردآورنده این اثر، در باب پیشینه تدوین این کتاب در مقدمه آورده است: «سابقه اادت نگارنده با شادروان اللهبیار صالح، یار وفادار دکتر محمد مصطفی‌بیش از ۳۰ سال بود و وقتی این ارادت مزید شد که چند سال قبل به ملازمت دوست مشترک آقای حبیب‌الله ذوالقدر، بعد از مدت‌ها خدمت آقای صالح رسیدیم، وی ا قدر مرحمت کردند که این جلسات تکرار شد و اگر همه هفته به حضورشان نمی‌رسیدم، سعی می‌کردم هر دو هفته یک بار ایشان را ملاقات کنم و درینا آخرین دیدار در روز دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۶۰ در حالی اتفاق افتاد که معزی‌لیه‌صحیح وسالم بودند، ولی متأسفانه دو روز بعد با احساس کسالتی مختصر و شدت یافتن درد در روز ۱۳۶۰/۱۱/۱۲ دار فانی را وداع گفتند وعموم دوستاران و علاقه‌مندان را داغدار ساختند.

باری از چندی قبل وقتی دانستم یادداشت‌ها و خاطرات آقای صالح را که جمع‌آوری کرده بودند بر اثر حوادث ۳۰ سال اخیر از بین رفته‌است، خواشش کردم گاهگاهی که خدمت‌شان می‌رسم، اجازه دهند پرش‌هایی کنم و گوشه‌هایی از خاطرات زندگانی‌شان را جویا شوم تا بعداً به انتشار آنها اقدام کنم. ایشان با خوشرویی و محبت تقاضایم را پذیرفتند و تأکید کردند هر وقت پرش‌هایم به اتمام رسید، یادداشت‌ها را به نظرشان برسانم تا اگر کسر و نقصی داشته تکمیل سازند، ولی افسوس که آرزوی قلبی نگارنده و آقای صالح تحقق نیافت و قبل از آن که تمام خاطراتشان را جمع کنم، دیده از جهان فروبستند و من مغیوبم که کاری را که شروع کرده بودم ناتمام باقی گذاشتم.»



✚ **اللهبیار صالح در گفت وگوا با دکتر محمد مصدق**

سیدمرتمی مشیر در ادامه دیباچه خویش در باب سوابق علمی و سیاسی و اجتماعی اللهبیار صالح آورده است:

۱- «در محرم اللهبیار صالح در سال ۱۳۱۵ هجری قمری دیده به جهان گشود و به هنگام مرگ ۸۵ سال عمر کرده بود.

۲- تحصیلات مقدماتی و زبان فرانسه و عربی را در مدرسه علمیه کاشان به پایان رساند و سپس به تهران آمدند و تا آن زمان به زبان انگلیسی آشنایی نداشتند.
۳- در سال ۱۹۱۴ (میلادی ۱۲۹۳ شمسی) وارد کالج امریکایی‌ها (دبیرستان البرز) شدند و کلاس‌های هفتم، هشتم و نهم را یک ساله به اتمام رسانده و با احراز شاگرداولی دوره دوم متوسطه را در طول سه سال با حفظ نمره اولی در سال ۱۹۱۸ (۱۲۹۷ شمسی) به پایان رساندند.

۴- بعد از فراغ از تحصیل تا سال ۱۳۰۶ سمت مترجمی زبان انگلیسی را به عهده داشتند و سپس در سال ۱۳۰۶ که داور به وزارت دادگستری منصوب شد، آقای صالح هم خدمات خود را در عدلیه جدید با مقام مستنظفی (بازپررسی) آغاز کردند و تا قاضی محکمه استیناف و ریاست دیوان کیرفراز مقام یافتند.

۵- در سال ۱۳۲۰ مقارن با محله منتفقین به ایران آقای صالح به عنوان مأمور فوق‌العاده برای برقراری روابط اقتصادی نهم با آمریکا شدند که در همین زمان رضاشاه از سلطنت مستعفی شد و چندی بعد با سمت وزارت دارایی برای نخستین بار در کابینه قوام‌السلطنه عضویت یافتند.

۶- آقای صالح در دولت‌های بعد از شهریور ۲۰ کراراً در مقام وزارت با خوشنامی و حسن شهرت انجام وظیفه کردند و در دوره شانزدهم که جبهه ملی تشکیل شده بود و ایشان جزو پایه‌گذاران آن بودند و به اتفاق دکتر مصدق و یارانش به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شدند و در جریان ملی شدن نفت نقش آقای صالح به زعامت دکتر مصدق بسیار مؤثر بود و بعدا مقام وزارت کشور را در دولت رهبر جبهه ملی به عهده گرفتند.

۷- در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آقای صالح، سفیر کبیر ایران در آمریکا بودند که بلافاصله با وجود اصرار و تقاضاهای شاه و زاهدی از این سمت استعفا کردند تا به قول خود با مصدق پیمان‌شکنی نکرده باشند.
۸- در انتخابات دوره بیستم آقای صالح پرغم مخالفت شاه و دولت وقت به نمایندگی مردم کاشان در مجلس شورای ملی انتخاب شدند که مجلس مذکور بعد از مدت کوتاهی به خاطر وجود ایشان منحل شد، زیرا شاه و زمامداران وقت تاب تحمل انتقادات او را نداشتند.»

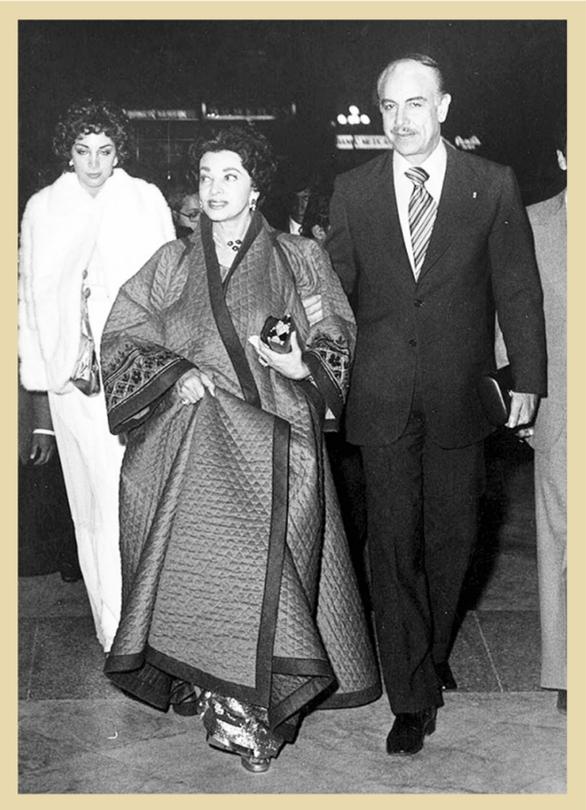
■ **سمانه صادقی**

**در روزهایی که بر ما گذشت، خیر در گذشت مهر داد پهلبد (عزت‌الله مین‌باشیان) در سن ۱۰۳ سالگی در ایالت کالیفر نیای امریکا منتشر شد و باز خوانی کارنامه وی، بار دیگر در اولویت تاریخ‌نگاران دوران پهلوی قرار گرفت. از منظر این قلم، پهلبد نمونه‌ای مناسب و درخور شناخت برای بی‌بردن به حال و احوال و ایستگان به دربار پهلوی است. جماعتی که بدون امتیاز چندانی بر همگان خود و بر حسب تصادف، به‌نگاه بسر جایگاه‌ها و مناصب مهم تسلط یافتند و عمری از مواهب آن برخوردار گشتند. امید می‌برم آنچه در بی‌می آید، برای پژوهنگان به ویژه نسل جوان، مفید آید.**

■■■■

رضاخان در سال ۱۳۱۹ وقتی دخترانش به سن ازدواج رسیدند، تصمیم گرفت برای ایشان هسری برگزاریند. از تشبد حسین فردوست در خاطراتش می‌نویسد: «موقعی که رضا خان تصمیم گرفت شمس و اشرف را شوهر دهد، فریدون هم دانشجوی دانشکده افسری فرانسه (سن سیر) بود و علی قوام در انگلیس (کمبریج) دوره می‌دید. در ظرف یک هفته عقد و عروسی انجام شد و فریدون و علی هر دو به دانشکده افسری اعزام شدند. جم به سال دوم رفت، چون قبلاً یک سال در سن سیر بود و قوام به سال اول معرفی شد. همکلاس من و محمدرضا شد. او فردی کم هوش بود. شمس و اشرف که در زمان رضا خان جرئت نداشتند حرف طلاق را بزنند تا مرگ رضا، با آنها زندگی کردند و پس از فوت او هر دو طلاق گرفتند.»

هر دو ازدواج بدون میل و خواسته شمس و اشرف صورت گرفت، اما چون شمس خاطرش در میان خانواده عزیزتر بود به علت کوتاهی قد و بدی چهره علی قوام نپذیرفت که بسا وی از ازدواج کند. بنابراین فریدون جم به عقد شمس الملوک و علی قوام به عقد اشرف‌الملوک درآمدند. در همین رابطه ثریا اسفندیاری در خاطرات خود می‌نویسد: واقعیت این است که اشرف فرزند نورچشمی والدینش نبود و رضا شاه پیر، شمس را بیشتر دوست می‌داشت و گاه به گاه محبت پدراهل‌اش را به او عنایت می‌کرد و من اطمینان دارم ماجرای که در زیر باژگ می‌کنم



**گذری بر سرشت و سرنوشت مهرداد پهلبد (عزت‌الله مین‌باشیان)**

# داماد صوری دربار!

عین واقعیت است:

وقتی شمس و اشرف به سن ازدواج رسیدند رضا شش آن دورا به اتاق کارش احضار کرد و در آنجا در مرد جوان را به آنها معرفی کرد و گفت: اینها شوهران شما هستند، انشاءالله به پای هم پیر بشوید. این دو علی قوام و جم بودند. قرار این بود که شمس با علی قوام و اشرف با جم ازدواج کند. شب قبل از عقدکنان، شمس پیش رضا خان می‌رود و می‌گوید: من از این جم بیشتر خوشم می‌آید، اگر اجازه فرمایید به جای علی قوام زن او بشوم! رضا شاه جواب می‌دهد: البته، هیچ عیبی ندارد، هر کاری شدنی است! اشرف در آخرین لحظه مجبور شد تسلیم هوس خواهر بزرگ‌تر خود با این‌حال شمس از همان ابتدا به دلایل نامشخصی از همسرش فریدون جم خوشش نمی‌آمد و درگیری‌های بسیاری با وی داشت. بعداز واقعه شهر یور ۱۳۲۰ که رضا خان مجبور به خروج از کشور باز هم مشاهداتی از درگیری شمس و همسرش وجود دارد. مشفق کاظمی دیپلمات ایرانی که در مصر به سر می‌برد، می‌گوید: دو نفر بزرگ از زوهانسبورگ به قاهره آمدند ولی با هم اختلاف و درگیری داشتند.»

مقصود وی از دو بزرگ فریدون جم و شمس پهلوی است. مخبرالسلطنه هدایت نیز در خصوص سفارشی بودن ازدواج دختران رضا خان به شوخی می‌گوید: شنیده‌ام که اینها (دامادهای رضا خان) در اتومبیل کنار راننده می‌نشینند و علیاحضرت‌ها در صندلی عقب! البته گفته می‌شود به خاطر اختلافات شمس و اشرف، رضا خان دستور داده بود که دامادها در صندلی جلوی اتومبیل‌ها بنشینند. نهایتاً با مرگ رضا خان در سال ۱۳۳۲ اشرف از علی قوام طلاق می‌گیرد و با کمک شمس با احمد مصطفی شفیق، خلیبان نیروی هوایی غیرنظامی مصر بدون اجازه محمد رضا پهلوی در قاهره ازدواج می‌کند.

■ **ازدواج مشروط!**

با ازدواج اشرف پهلوی، شمس که سال‌ها با فریدون جم اختلاف داشته نیز طلاق می‌گیرد و با عزت‌الله مین‌باشیان (پسرخاله‌اش) که در دربار تدریس موسیقی می‌کرده در سال ۱۳۲۴ ازدواج می‌کند. عزت‌الله مین‌باشیان پس از ازدواج اجباراً نام خود را

# عاریچ

کفتوگو ۸۸۴۹۸۴۷۹

✚ **مهرداد پهلبد و شمس پهلوی در حاشیه حضور در یکی از مجامع در وائسین سالیان حضور در ایران**

## د

**با توجه به اینکه پهلبد سال‌ها مغضوب محمدرضا پهلوی بود، پس از گذشت چند سال با وساطت ملکه مادر و شمس، مدارج ترقی را سرعیا طی کرد. پهلبد که یک ویلن زن ساده بود، بعد از ازدواج با شمس، در سال ۱۳۳۰ به ریاست اداره کل هنرهای زیبای کشور منصوب شد. این ریاست ادامه داشت تا آنکه در سال ۱۳۴۲ حسنعلی منصور تشکیل کابینه داد. در این دوره محمدرضا پهلوی برای آنکه از نظر مالی کمکی به خواهر کرده باشد، وزارت فرهنگ و هنر را به مهرداد پهلبد بخشید**

مهرداد پهلبد تغییر می‌دهد و نامی هم‌سنگ با پهلوی‌ها می‌یابد.
**داماد تازه وارد وشاه**
محمدرضا پهلوی ابتدا زیر بار ازدواج مهرداد پهلبد با خواهرش شمس نمی‌رفت و درست نمی‌دانست که خواهرانش یکی یکی طلاق بگیرند و مجدداً ازدواج کنند. هر چند در نهایت پذیرفت، اما برای ازدواج مین‌باشیان و شمس شرطی معین نمود که عزت‌الله از مادرش جداشود! البته این شرط در خصوص ازدواج اول شمس هم رخ داده بود. ملکه توران امیرسلیمانی در خاطراتش می‌نویسد: «… فریدون جم هر چند از این ازدواج راضی نبود اما به خاطر شمس با خانواده‌اش قطع رابطه کرد. روزی شمس با من گفت: فلانی دیدید فریدون با من چگونه رفتار کرد؟ به این زودی ما بد شده‌ایم و ما را فراموش نمودند. گفت: من جهت را می‌دانم شمس اخلاقتن آن است که علاقه به هر کس دارم، میل دارد دیگر او با هیچ کس حتی پدر و مادرش هم صحبت نکند.»

■ **زندگی ناگزیر در قاهره**

عدم رضایت محمدرضا پهلوی با ازدواج شمس سبب شد مهرداد پهلبد به عنوان تحصیل برای مدتی عازم مصر شود و این دو مدتی را در قاهره زندگی کنند. از آنجا که پدر فریدون جم یعنی محمود جم سفیر ایران در مصر بود بابت دلخوری‌ای که از جدایی شمس با پسرش داشت و پهلبد را در این ماجرا مقصر می‌دانست درصدد آزار پهلبد برآمد. متن دو نامه محمود جم گویای این موضوع است.
**✚ متن نامه اول محمود جم به وزارت امور خارجه:**
سفرات کبری شاهنشاهی ایران

قاهره

وزارت امور خارجه

عزت‌الله مین‌باشیان با گذرنامه جعلی به اسم مهرداد پهلبد قصد مسافرت به امریکا دارد، چون مشکلاتی پیش آمد به تهران مراجعت نمود. این گذرنامه تحت نمره ۵۱۴ در تاریخ ۲۳/۸/۱۶ در تهران صادر شده است شماره عمومی گذرنامه HI. ۱۰۰ است. گذرنامه محل تولد را دماوند در مشکلاتی پیش آمد به تهران مراجعت نمود. این گذرنامه تحت نمره ۵۱۴ در تاریخ ۲۳/۸/۱۶ در تهران صادر شده است شماره عمومی گذرنامه HI. ۱۰۰ است. گذرنامه محل تولد را دماوند در

✚ **متن نامه اول محمود جم به وزارت امور خارجه:**
سفرات کبری شاهنشاهی ایران

قاهره

وزارت امور خارجه

عزت‌الله مین‌باشیان با گذرنامه جعلی به اسم مهرداد پهلبد قصد مسافرت به امریکا دارد، چون مشکلاتی پیش آمد به تهران مراجعت نمود. این گذرنامه تحت نمره ۵۱۴ در تاریخ ۲۳/۸/۱۶ در تهران صادر شده است شماره عمومی گذرنامه HI. ۱۰۰ است. گذرنامه محل تولد را دماوند در مشکلاتی پیش آمد به تهران مراجعت نمود. این گذرنامه تحت نمره ۵۱۴ در تاریخ ۲۳/۸/۱۶ در تهران صادر شده است شماره عمومی گذرنامه HI. ۱۰۰ است. گذرنامه محل تولد را دماوند در

✚ **متن نامه اول محمود جم به وزارت امور خارجه:**
سفرات کبری شاهنشاهی ایران



مهرداد پهلبد و شمس پهلوی در آغازین ماههای ازدواج

مطابق قانون مکلف به عرض گزارش بود اطلاعاً زحمت‌افزا گردید.

سفیر کبیر محمود جم

✚ **متن نامه دوم سفیر کبیر ایران به محمدرضا پهلوی:**

قاهره هشتم دی ۱۳۲۳

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دستخط مبارک مورخه ۲۶ آذر که به افتخار فدوی شرف صدور یافته بود توسط پست سفارت انگلیس زیارت و باعث بسی مباحث [مباحات] گردید. دستخط راجع به والاحضرت شمس را فوراً به فلسطین فرستادم که خدمتشان تقدیم گردد. اما راجع به عزت‌الله مین‌باشیان که امر فرمودند از مسافرت نامبرده به امریکا به مصلحتی جلوگیری شود. نظر به اینکه ایشان به اسم جعلی مهرداد پهلبد به قاهره آمده بود مدتی پیدا کردن او طول کشید. بالاخره معلوم شد در یک پانسیون در معادی در ده کیلومتری قاهره منزل نموده است. به هر حال مشاوره‌ای را به سفارت احضار و اوامر مبارک را ابلاغ، هر طوری بود مشاوره‌ای را حاضر به مراجعت ایران نموده هفتم دی با راه‌آهن به فلسطین حرکت نمودند. نجب این است که پنجم دی از احمد شفیق و والاحضرت اشرف سراغ مین‌باشیان را گرفتم؛ هر دو اظهار بی‌اطلاعی نمودند در صورتی که مین‌باشیان شب و روز در منزل ایشان بوده است. باری از رسیدگی به گذرنامه معلوم گردید که به معرفی خواجه نوری از شهربانی تهران گذرنامه به اسم مهرداد پهلبد متولد دماوند تحصیل و از سفارت مصر و انگلیس، عراق و فرانسه هم به عنوان این که پهلبد جزو سبوت علیاحضرت ملکه است روایت گرفته به قاهره آمده و در معادی منزل کرده است. والاحضرت اشرف پس از فاش شدنش مطلب وصول امر مبارک را با تلفن به حضرت علیاحضرت ملکه، که فلسطین تشریف دارند، رسانده بود. علیاحضرت با تلفن به فدوی فرمودند که مین‌باشیان برای معالجه آمده ایشان را به فلسطین بفرستم که همراه خودشان تهران بیزند. خلاصه جریان امر به نحوی است که از شرف عرض می‌گذرد. مسافرت تقریباً تمام‌اعضای خاندان سلطنت به قاهره تأثیر بدی نموده، شهرت داده‌اند که به واسطه بدی وضع سیاسی ایران همه درصدد فرار هستند البته این اراجیف تکذیب شده است.

فدوی دولخواه، محمود جم

■ **نبار خانوادگی**

مهرداد پهلبد (عزت‌الله مین‌باشیان) در خانواده‌ای اهل موسیقی اما نظامی متولد شد. خانواده مین‌باشیان از اهالی گرجستان شوروی بودند که اکنون جورجیا ی روسیه نامیده می‌شود. پدرش سرتیپ نضرائه مین‌باشیان معروف به نصرالسلطان موسیقیدان و رئیس اداره موزیک و مادرش عالمتاج ایملو سومین خواهر تاج‌الملوک (دومین همسر رضا خان) بود. پدرسزرگ مهرداد پهلبد، غلامرضا خان مین‌باشیان معروف به سالار معزز از نخستین کسانی است که موسیقی ایرانی را به نت اروپایی نوشت و انتشار داد. وی همچنین آهنگساز «سردوسلامتی دولت علیه ایران» (سردود ملی ایران در آغاز مشروطه) نیز می‌باشد. نصر الله مین‌باشیان پدر پهلبد نیز آهنگساز سردوسری محمدرضا پهلوی و فوزیه است. اما برادرش از تشبد فتح‌الله مین‌باشیان نیز از فرماندهان نیروی زمینی بود که در اعدام بهمین قشقایی، جوانی که علیه رژیم پهلوی قیام کرد، نقش داشت.

■ **گذران در امریکا پس از اخراج**

پس از آنکه مصدق خانواده سلطنتی را به خاطر دخالت‌هایشان از کشور اخراج کرد شمس پهلوی به همراه همسرش پهلبد از سال ۱۳۳۰ به امریکا رفته و در آنجا خانهای اجاره کردند. در این سفر شمس به همراه ملکه مادر ۱۱۰ تخته قالی نفیس همراه خود به امریکا می‌برند. اسناد این مسئله و مکاتباتی که میان گمرک امریکا و دربار رد و بدل شده است و همچنین نامه‌هایی از پهلبد و ابراز نگرانی‌هایش امروزه در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر موجود است. در این دوره مصدق هر ماه ۷۰۰ دلار برای گذران زندگی آنها می‌گرفت، باید در وزارت خارجه شما باشند. هر چند بعد از آن برای انتقالم نامه آمد اما من به خاطر دستمزد پایین نپذیرفتم که به وزارت فرهنگ و هنر بروم، پس از آن هم وقتی در تالار فرهنگ و هنر به مناسبت‌های مختلف مراسم برپا بود و من شرکت می‌کردم، پهلبد که سرزند آن ماجرا مورد غضب شاه قرار گرفته بود در این مجالس همیشه هر چپ‌چپ نگاه می‌کرد.

■ **فرجام**

مهرداد پهلبد انسان آرام و ساکتی می‌نمود و نسبت به مسائل پیرامونش بسیار بی‌تفاوت بود. این بی‌تفاوتی به گونه‌ای بود که اگر عده‌ای از مردم به قولی در برابرش پری می‌زدند هم تأثیری در وی نداشت. در واقع هیچ مسئله‌ای برای وی غیر از مسائل مربوط به خودش اهمیت دخالت می‌کردند. به عنوان مثال پس از آنکه در سال ۱۳۰۳ جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران (معادل هلال احمر) تأسیس می‌شود و سلطنت قاجار به هم می‌خورد و رضا شاه مسئولیت این جمعیت را به ملکه مادر می‌دهد، ملکه مادر به علت نداشتن سواد مسئولیت این جمعیت را به شمس الملوک واگذار می‌کند. از این روی شمس سرپرست عالی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران می‌شود. این جمعیت علاوه بر

# ۹

روزنامه جوان | شماره ۵۴۴۷

# جوان

فعالیت‌های مثبتش عایداتی هم داشت و منبع درآمدی برای خواهر شاه بود. شمس تا پایان عمر رژیم پهلوی ریاست عالیه این جمعیت را عهده‌دار بود.

■ **تغییر دین به تبع همسر**

شمس که از زمان حیات پدر به مسیحیت علاقه داشت، پس از ازدواج با مهرداد پهلبد و در دوران اقامت در امریکا تغییر مذهب داد و به آیین کاتولیک گروید.

اسدالله علم در خاطرات خود می‌نویسد: «برنامه سفر شمس به رم و واتیکان را تقدیم کردم، شاه آن را تأیید کرد به شرط اینکه والاحضرت درباره ملاقاتش با پاپ زیاد سر و صدا راه نیندازد.» البته شمس فراتر از تغییر دین به عنوان یک مسیسیون مذهبی فعالیت می‌کرد و حتی در سال ۱۳۵۲ کلیسای اختصاصی نیز در ملک خود در مهرشهر کرج احداث کرد. اسدالله علم در این رابطه می‌نویسد: «به شاه گفتم این مسئله ساخت کلیسا در یک کشور اسلامی درست نیست. این کلیسا از بیرون کاخ دیده می‌شود!»

عزت‌الله مین‌باشیان و فرزندانشان شهباز، شهبار و شهزاد نیز به پیروی از شمس به آیین مسیحیت گرویدند.

■ **مناصبی که پس وساطت آمدند!**

با توجه به اینکه پهلبد سال‌ها مغضوب محمدرضا پهلون بود، پس از گذشت چند سال با وساطت ملکه مادر و شمس، مدارج ترقی را سرعیا طی کرد. پهلبد که یک ویلن زن ساده بود، بعد از ازدواج با شمس، در سال ۱۳۳۰ به ریاست اداره کل هنرهای زیبای کشور منصوب شد. در این اداره امور مربوط به موسیقی، نقاشی، مینیاتور، کاشی کاری و… تحت نظارت مهرداد پهلبد قرار گرفت. این ریاست ادامه داشت تا آنکه در سال ۱۳۴۲ حسنعلی منصور تشکیل کابینه داد. در این دوره محمدرضا پهلوی برای آنکه از نظر مالی کمکی به خواهر کرده باشد، این پست را به مهرداد پهلبد بخشید. عنوان وزیر فرهنگ و هنر فعالیت داشت. هیچ دامادی همچون پهلبد چنین خوش‌شانسی نبود که تا این حد در وزارت باقی بماند. نکته جالب در خصوص اجازه نشر در سال آخر حکومت پهلوی این است که تنها ۶۰۰ عنوان کتاب اجازه نشر داشته‌اند که این به معنای وجود اختانی در این دوران است.

■ **وزیر فرهنگ و چند و چون تعامل با هنرمندان**

داریوش استزاده یکی از بازیگران آن دوره در مورد نحوه برخورد مهرداد پهلبد به عنوان وزیر فرهنگ و هنر با هنرمندان می‌گوید: یک روز شاه برای اجرای نمایش از گروه تئاتر ما دعوت کرد که به کتان برویم. آن روز نمایشنامه‌ای را بازی می‌کردیم که ترجمه دکتر والا بود. همراه با خانم ایرن و آقای وحدت. شاه که از اجرای نمایش خوشش آمد در پایان ما را خواست و تک به تک سؤال کرد که غیر از اجرای نمایش کجا مشغول به کار هستیم. وحدت گفت: در اداره ننان و غله و من گفتم در وزارت دارایی. تیمسار ضرام که پشت سر شاه ایستاده بود گفت: بلکه ایشان بازرس ویژه اداره ما هستند و بنده از کارشان راضی‌ام. شاه خیلی عصبانی شد و رو کرد به پهلبد و با عصبانیت گفت: آقا شما چه کار می‌کنید در آنجا (وزارت فرهنگ و هنر)؟ اداره دارید؟ وزارت خارجه دارید؟ همین فردا دستور انتقالشان را بدهید. بعد هم با عصبانیت از افتاد رفت. در واقع منظور شاه این بود که اگر اینها هنرمند هستند چارادر وزارت دارایی و… خدمت می‌کنند، باید در وزارت خارجه شما باشند. هر چند بعد از آن برای انتقالم نامه آمد اما من به خاطر دستمزد پایین نپذیرفتم که به وزارت فرهنگ و هنر بروم، پس از آن هم وقتی در تالار فرهنگ و هنر به مناسبت‌های مختلف مراسم برپا بود و من شرکت می‌کردم، پهلبد که سرزند آن ماجرا مورد غضب شاه قرار گرفته بود در این مجالس همیشه هر چپ‌چپ نگاه می‌کرد.

■ **فرجام**

مهرداد پهلبد انسان آرام و ساکتی می‌نمود و نسبت به مسائل پیرامونش بسیار بی‌تفاوت بود. این بی‌تفاوتی به گونه‌ای بود که اگر عده‌ای از مردم به قولی در برابرش پری می‌زدند هم تأثیری در وی نداشت. در واقع هیچ مسئله‌ای برای وی غیر از مسائل مربوط به خودش اهمیت نداشت.

در طی دوران وزارت پهلبد برخی او را کلید گوش شاه در جلسات هیئت دولت می‌دانستند. پهلبد و همسرش شمس پهلوی از اولین کسانی بودند که سال ۱۳۵۷ به امریکا گریختند. مهرداد پهلبد که ۲۳ سال پس از مرگ شمس همچنان به زندگی خود ادامه می‌داد نهایتاً در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۹۷ و در سن ۱۰۳ سالگی در ایالت کالیفرنیا امریکا در گذشت.